سال سوم شماره ۵۷۵ — JUNE 5, 1945 — شنبه ۱۵ خرداد ماه ۱۳۲۴

نامه رهبر

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

3 6 5 47

هیئت تحریریه: ایرج اسکندری - پروین گنابادی - احمد قاسمی - انور خامه - علینقی حکمی

حربه ما (۴)

منطق و ایمان ماست

این روزها جراید مخالف ما بخیال خود برای خنثی کردن تاثیر عمیقی که نطق‌های نمایندگان توده در بین مردم کرده است سخت بدست وپا افتاده و از هرطرف حزب و تشکیلات مارا بباد تهمت و افترا گرفته اند و میخواهند بدین‌وسیله،مارا وادار بپاسخ نموده از اینراه برآبروی روزنامه خود بیافزایند .

اینان غافل هستند که ما بنا برویهٔ خود هیچگاه بجواب دشنام‌دشمنان خود نمی‌پردازیم و اساسا برای ورق پاره هائی نظیر خورشیدایران و باختر که هویت و سوابق مسدیران آن‌ها برهمه کس واضح است ارزشی قائل نیستیم تا برخود زحمت جواب‌را تحمیل نمائیم. دشمنی این‌قبیل عناصر موجب سربلندی ماست زیرا هرقدر این‌نوع افراد بما حمله کنند مردم بیشتر به حقیقت مبارزه که حزب تودهٔ ایران برعلیه فساد دستگاه حاکمه از بدو تاسیس خود بعهده گرفته است پی خواهند برد .

هرقدر راهزنان اجتماعی دزدان ومغلسین و قاتلین‌زحمتکشان‌بادشنام بدهند، افترا بزنندوحمله کنند بیشتر ارزش جهاد مقدسی که بمنظور دفاع ازحقوق مردم ستمدیده ایران درپیش گرفته ایم آشکار میگردد .

بنا براین جز اینکه بالبخند وسکوت تحقیرآمیز دشنام‌ها و ناسزاهای این اشخاص‌را استقبال کنیم پاسخ دیگری‌بآنان نخواهیم داد .

اما وقتی حملات دشمنان ما جنبهٔ اصولی داشته باشد ولو اینکه‌آلوده باغراض باشد خودرا ناگزیر از جواب میدانیم زیرا حربه ما منطق و ایمان ماست و درمقابل‌مغالطه دشمنان‌خودرا موظف‌به‌اقامهٔ برهان ودلیل‌می‌دانیم.

روزنامه ندای عدالت درشماره دیروز خود تحت عنوان (حربه‌حزب توده) بقلم(ا.ع) شرحی انتشار داده‌که از دوجهت بنظر ما قابل توجه‌است نخست از این لحاظ که منطق ضعیف دشمنان مارابخوبی واضح میسازد وثانیا از این حیث که طریقه مبارزه ناجوانمردانه کسانی‌را که علم (عدالت!) بدوش گرفته‌وبخیال‌خود برای‌یک‌هدف اجتماعی وسیاسی مبارزه میکنند آشکارمینماید

این آقایان عدالت شعار درعوض اینکه سعی کنند با دلیل و منطق نظریات اجتماعی و سیاسی ما را رد کنند و یا در مقابل تئوریهای حزبی‌ما عقاید خودرا با برهان ثابت نمایند به روایات و افسانه هائی که بهیچوجه مبدأ و منشأ آن معلوم نیست متوسل شده و یک سلسله ترهات از زبان آقای (ج — ا) که بنا به‌معرفی روزنامه ندای عدالت (مرد فعال و از سرمایه دارانی است که‌سرمایه را تنها از راه کسب‌صحیح وتدبیرواطلاعات‌بازرگانی‌بدست‌آورده و درضمن‌مرد نیکوکاری است که‌عده‌زیادی‌ازقبل زحمات‌او زندگی‌میکنند وبعدهٔ مستحق کمک‌های‌وافر میکنند !!) نقل قول میکند و مدعی است که‌این شخص بزرگوار(که از فرط شهامت وبزرگی‌حاضر نیست‌حتی‌خودرامعرفی نماید)مطالبی‌را ازتون‌تاب مجله خود که اورا هم‌اسم نمیبردشیده وبرای‌آقای ا . ع نویسنده‌بزرگوار مقاله که ایشان نیز از اعضاء صریح خود تلقی دارند نقل کرده است و ایشان نیز بمقتضای وطن پرستی و جوانمردی !! برای اینکه هم مسلکان عزیز شان بدام نیافتند تفننفرموده و مقاله بعنوان (حربه حزب توده) برای روزنامه صد درصد ملی !! ندای عدالت‌تهیه کرده اند.

اینست طرز استدلال یک‌حزب سیاسی !! که مدعی است باید افراد این کشور برای مرام و منظور آن سرو دست بشکنند و بالاخره روزی زعمای آن با نیروی عدالت !! اجتماع فاسد ایران را کلستان کنند .

روایتی ازقول تون تاب مجهولی میسازند و آنرا از زبان سرمایه داری که هویتش معلوم‌نیست با امضاء دروغی نفرسوم منتشر میکنند وبدین طریق باسه دروغ متوالی میخواهند قضیهٔ که اصلا حقیقت ندارد اثبات کنند و انتظار دارند مردم همه مطالب آنهارا باورکرده و حزب توده ایران

بقیه در صفحه ۲

مبارزه با نادرستی در ارتش!!

آقای ارفع ضمن توضیحی که نسبت به‌گفته آقای کام‌بخش نماینده توده داده اند میگویند که‌یکی از اقدامات ایشان مبارزه بانادرستی است که‌ازامراء شروع شده

چقدر میل داشتم این تهادعانبود !

متاسفانه برای ما عکس این موضوع بثبوت رسیده است چنانچه اشخاصی که دزدی های تیپ سوار را کشف نموده واراءه داده اند و بتصدیق خود ستاد ارتش اطلاعاتی که‌داده بودندکاملا صحت داشته است و حتی گویا موجب توبیخ فرمانده تیپ سوار هم شده بود به بهانه اینکه فرمانده تیپ باآنها نمیتواندکار کند بکرمان‌منتقل واکورهم درزندان دژبانی هستند — .

بنابراین بجای دزد کاشف دزدی تعقیب میشود — پاسخ این را آقای ارفع چه میدهند آیا ما حق نداریم بموجب همین قضایا عمل ستاد و فرمانده تیپ سوار را مبارزه با درستی بنامیم !!

انور خامه

بحران سوریه و اتحاد اعراب

— ۲ —

اینک اندکی بوقایع اخیر سوریه توجه نمائیم:

قدمهای اولیه راجع باستقلال سوریه و لبنان در آخرین سالهای قبل از جنگ و هنگام حکومت جبهه توده برداشته شد که در حقیقت نتیجه‌مبارزه ممتد آزادیخواهان سوریه بود ولی‌در اثر حدوث جنگ و مخصوصا شکست فرانسه واضمحلال جمهوری سوم بجائی نرسید و بی نتیجه ماند . در اینجاباید تذکر داد که این مبارزه آزادی خواهانه کمتر تحت نفوذ و تاثیر منافع و نیات خارجی بود و آزادی خواهان نیز جز استقلال داخلی کافی بدست آورده و نشار امپریالیسم را ازسرخود بردارند‌نظر دیگری‌نداشتند و حتی آزادی خواهان سوریه علاقه کافی بفرهنگ فرانسه و اشتراک منافع در سیاست خارجی بااین کشورنشان میدادند .

دومین مرحله جریانات استقلال سوریه بشکل دیگری درماه ۱۹٤۱ هنگامی که نیروهای انگلیسی ومعدودی از نیروهای فرانسه آزادرضد قوای ویشی بسرپرستی ژنرال‌دنتز ازمرزهای سوریه گذشتند آغازشد.

دراین‌هنگام ژنرال‌ویلسن فرمانده نیرو های انگلیسی اعلامیه خطاب‌بمردم سوریه و لبنان منتشر نمود و استقلال این کشور راباآنها وعده داد وهمراه این اعلامیه دیگری نیز ازطرف ژنرال کاترو فرمانده‌ق‌ای‌فرانسه آزادبهمین مضمون منتشر گردید و بمردم سوریه ولبنان وعده داد که در اولین فرصتی که شرائط جنگ بر طرف شود و اوضاع سیاسی‌اجازه دهد اقدامات‌برای اعلام استقلال اینکشور ها آغاز خواهد گردید .

در اینجا دو نکته را باید مورد توجه‌داشت:

نخست آنکه نهضت فرانسویان آزاد در آن هنگام بمناسبت قطع‌روابط بین‌او وداخله کشور هنوز خیلی ضعیف بود و بعلاوه هنوز آن قدرت را در اختیار نداشت که بتواند کاملا از منافع دولت بزرگی مانند فرانسه قبل از جنگ یا فرانسه کنونی در برابر نظریات امپراطوری بریتانیا مداخله کند و یا با این نظریات مخالفت ورزد .

گرچه‌مسلم است که ملت‌فرانسه وجنبش آزادی خواهان فرانسه‌هیچگاه با استقلال سوریه و لبنان و همچنین آزاد شدن‌کافی سایرمستعمرات‌مخالفت نداشته ونداردودلیل آن پیشنهادهای

بقیه در صفحه ۲

اردشیر آوانسیان

اصول تشکیلات حزبی

تا کنون یادداشت هائی در مورد امور تشکیلاتی و تبلیغاتی در روزنامه رهبر بطورغیرمنظم منتشر گردیده و یادداشت های ذیل متمم آنها میباشد م

اینک تذکر میدهدکه مجموعه یادداشت مذکور پس از تفکیک وتنظیم بصورت دفتر جداگانه ای چاپ خواهدشد

عوامل اپزکتیف و سوبژکتیف

برای آنکه یک نهضت آزادی و یک‌جنبش ترقیخواهانه‌بوقوع‌بپیوندد، ظاهر شود و رشدحاصل نموده تکامل یابد و در نتیجه بفتح و پیروزی منجر گردد شرایط و عوامل چندی لازمست که اساسی‌ترین آنها عوامل یافاکتور های اوبژ کتیف و سوبژکتیف است که بعوامل عینی یاموضوعی و شخصی اصطلاح شده‌است .

عوامل عینی عبارت از عواملی است که مربوط وضع محیط واجتماع میباشد که خود شرایط گوناگونی‌در بردارد ازقبیل شرایط اقتصادی سیاسی —اجتماعی — مالی —وغیره . ان شرایط وابسته باراده اشخاص نیست و قبل از آنکه ما درباره آن‌ها اراده کنیم درخارج وجود دارد این عوامل در نهضتها وجنبش هادرمبارزات‌سیاسی و اجتماعی تاثیرات اصولی و عمق‌دارد و اساسا میتوان گفت که چگونگی هر نهضتی زائیده چگونگی محیط‌آن است وبنابراین عوامل‌موجوده‌درمحیط کاملا در ترکیب و شکل ساختمان آن موثرمیباشد

پس اگر بخواهیم‌بدانیم که‌محیط آبستن چه نهضتی است و چه نهضتی‌را میتواند بپذیرد و آنرا بپروراند قبلا بایدمحیط رابخوبی مطالعه کنیم واز اوضاع و احوال آن‌بخوبی اطلاع‌داشته باشیم .بایدبدانیم که‌جامعه‌ازنظرتاریخی کدامیک از مراحل را می‌پیماید ودر کدام پله از نردبان تکامل قراردارد باید از وضع اقتصادی اجتماعی — مالی — فرهنگی . . . . آن بخوبی مطلع باشیم نه تنها کلا در احوال یک‌محیط باید تدقیق و تحقیق بعمل آورد بلکه اوضاع و احوال هر ناحیه وهر قسمت آن را باید بخوبی شناخت ودرمحاسبه منظور کرد همچنین لازم‌است موقعیت خارجی آن محیط را درنظر گرفت باید دید محیط خارجی واتسفرسیاست بین المللی و روابط همسایگان درطول تاریخ و زمان‌حال چه تاثیراتی دوآن محیط کرده و میکنند و درجه نفوذ آن تاچه حد بوده و میباشد . برای ظهور یک نهضت و ایجاد یک جنبش اجتماعی این شرایط باید بمرحله معینی

بقیه د صفحه ٤

در اصفهان چه غوغائی است!

اکنون بخوبی اشکار شده‌است که توطئه‌قتل‌صرافیان بوسیله سرمایه داران و اولیای دولتی و شهربانی بهمدستی سیف پور و دولت آبادی‌فراهم‌شده است بهانه کشته‌شدن صرافیان تاکنون قریب دویست نفر زن و بچهٔ ،آزادیخواهان قدیمی کارگر ،کاسب و شهری و خلاصه هرکس نفرتی از رژیم ترور سرمایه داران اصفهان دارد شهربانی بدون انجام‌تشریفات‌قانونی‌توقیف نموده‌است و حال آنکه از خصوصیات جرم و مجرم آگاه است و زندان شهربانی نیز توقیف شدگان را شلاق و کتک میزند تامقاصد خود را باآنها تحمیل نمایند هیچکس در اصفهان تامین ندارد و تمام شهر از مظالم سیف‌پور و دولت آبادی و سرمایه داران ودولتیان در عذابند . معلوم نیست بازرسان اعزامی بچه علت از این‌اقدامات جنایت آمیز قرون وسطائی و خلاف قانون جلوگیری نمیکنند و اجازه میدهند که در مقابل چشم آنها نیز این جنایتکاری ادامه داشته باشد ؟!

ما نظر وزارت دادگستری و دادستان دیوان کیفر را باین تعدیات و جرائم مأموربن دولت جلب میکنیم .

افسران تحصیل کرده را بیرون میریزند

مخالفت دستگاهی که بدست رضا خان برای ارتش بنیاد نهاده شد بسا دانش وخرد ، امروزی نیست اما هر روز مدرک جدیدی برشدت این‌مخالفت بدست می‌آید .

آقای رئیس ستاد ارتش درجواب نطقی که آقای کامبخش نماینده توده‌در مجلس ایرادکرداصلاحات جدید خودرا ذکر نمود و اخراج افسران بیسواد را یکی ازآنها دانسته است . اینک‌ادعای آقای‌رئیس‌ستاد ارتش‌را بافرمان‌عمومی شماره ٤٤٤۷ مورخ۱٦ر۲ر۲٤ ارتش که ذیلا درج میشود مقایسه کنید :

« بیست وچهارنفر افسران‌نامبرده زیر منتظر خدمت میگردند :

۱ - سرهنگ‌پیاده‌محمدعلی خواجوی ۲ — سرهنگ پیاده احمد داور پناه ۳ — سرهنگ ۲ پیاده‌سیدحسین یمنی ٤ — سرهنگ ۲ سوارشرف الدین قهرمان ٥ — سرگرد سوار سیدمحمد باشا خطیب شهیدی ٦ — سرگرد پیاده رضادرگاهی ۷ — سروان پیاده حبیب الله معصومی ۸ — سروان پیاده مجید احیاء ۹ - سروان پیاده بهمنی ۱۰ — سروان چهاگیر قانع ۱۱ - سروان مالی رضا گوهری ۱۲ - سروان فنی حسین مدرسی ۱۳ - سروان پیاده محمد قلی سالاری ۱٤ - سروان فنی حبیب‌الله معتمدی ۱۷ - سروان توپخانه مجتبی اخوی۱۸-سروان‌سوارقرشی‌شجاعی‌اصل ۱۹ - ستوان ۱ فنی حمید صالحی ۲۰- ستوان۱ پیاده سید مهدی وزیری ۲۱ - ستوان۲ پیاده علی‌اکبر آراتی ۲۲ - ستوان۲ پیاده اداری حسین دوزا ۲۳ -

بقیه در صفحه ۳

روشنفکران بیکاره!!

در نطقی که آقای‌عماد تربتی نماینده مجلس بعنوان مخالفت با برنامه‌دولت در جلسه چهارشنبه نهم خرداد جاری ایراد کردند جمله زیر بنظر رسید « عده‌ای ازفرط بیکاری خودشان‌را روشن‌فکراسم گذاشته اند.

بنده نمیدانم چه کبریتی در مغز آنها روشن شده است که‌اینقدر روشن فکر شده‌اند . اگر بخواهیم حقیقت‌را بگوئیم اینها بیکاره‌هستند.»

قسمت آخر این جمله که اینها بیکاره هستند بسیار صحیح و بجا است ولی اینکه ازفرط‌بیکاری خودرا روشن فکراسم گذاشته‌اند باحقیقت وفق نمی دهد. زیرا بیکاری آنان مولود روشن فکریشان است . چنانکه قسمتی از گفته‌های نماینده مزبور این مطلب‌را تائید میکند که گفته‌اند « بنده شنیدم که یکی از تحصیل کرده ها ناچار بلیطفروش شده است »

آقای عمادتربتی! از این نمونه‌ها بسیار است . مهندس بقالی میکند. لیسانسیه حقوق دربازار بدلالی مشغول است . این روشنفکران همه از فرط استیصال درمانده و بیکاره‌اند

جوانانیکه عمری را برای روشن کردن فکر خود صرف کرده اند تا شایدروزی بجامعه‌خدمت کنند.مجبورند دراین‌محیط فسادآلود عملا بیکاره‌باشند و استفاده‌ای را که حکومتهای مترقی از امثال این جوانان میکنند در این کشور مفهوم واقعی پیدا نمیکند.اینان از فرط بیکاری روشن فکر نشده اند بلکه‌ازفرط روشن‌فکری بیکارشده‌اند. اگر آنان‌هم مانند سرمه به‌داران عامی بجای تحصیل علم هستی توده فقیررا ربودند ، امروز بیکاره نمیشدند.واستاد دانشگاهشان مجبور نمیشد کت باره خودرا با کیف بپوشاند . روشن فکران فقط گناهشان اینست که عمری

بقیه در صفحه ٤

از زندان موقت شهربانی — بجراید آزادیخواه

سلام به زحمتکشان، روشنفکران، آزادیخواهان

دوستان عزیز :

پیام شما رسید چون امر فرموده بودید روزه را بشکنیم اطاعت شد ؛ پس از هفتادساعت‌امساک‌امروزساعت‌هشت صبح ؛ تصویب شما افطار کردیم

ما که برای آزادی یک ملت قیام کرده ایم ، ماکه برای استقلال ایران کوشش مینمائیم ، ناگزیر باید تحمل مشقاتی را هم بکنیم ، سربازی که پشتیبانش واحد های ملی میجنگد زودتر هدف تیر میشود. استعمار طلبان ترسیده اند عیاشها متوحش شده‌اند بدست وپا افتاده ، دسته بندی میکنند مملکتی که هنوز بقایای رضاخان دراو حکومت میکنند .

کشوریکه پلیس‌شهربانیش‌وکیل مجلس‌میشودحتما بایدآزادیخواهانش تحت فشار پلیس باشند .

اینها حق دارند ، ما درمقابل اینها مانع‌بزرگی هستیم ، خار سرراه کودتاها وقلدریها شده‌ایم ناچار حبسمان میکنند .

آقای حکیم‌الملک با توقیف ما معامله کرده است دستگاه قضائی‌در مقابل یک‌مشت قزاق زانوی تسلیم بزمین زده است

چرا روزه گرفتیم : برای این بود که درتاریخ ایران ثبت شود در عصریکه برای پیشنهاد آزادی هندوستان کف میزنند در زمانیکه هندوها دم از استقلال وآزادی میزنند درکشور شاهنشاه در مقابل چشم همه آزادی خواهان‌را میگیرند توقیف میکنند .

روزه گرفتیم برای اینکه آزادیخواهان سکوت‌را بشکنند. مهر را از لب وقلم بردارند دست باز کنند .

دیروز عرشاهی ، امروز معزی دیروز دشتی امروزهم دشتی بر ما حکومت میکنند اگر با این وضع پیش برویم بیم آن میرود مختاری هم از زندان پست آقای ضرابی‌را تحویل بگیرد .

در هرحال چون‌بخاطر اجتماع زندانی شده‌ایم امر اجتماع‌راطاعت و روزه‌ر شکستیم — مرتضی‌لنکرانی - حسین قریشی - مصطفی لنکرانی

www.iran-archive.com

حسین فرشید

مدیر روزنامه دنیای امروز

(۷)

قاتل «صرافیان» کیست؟

نقش «وارسته» «دولت آبادی» «سیف‌پور فاطمی» «شاپور مختاری» در اصفهان

خوانندگان کم وبیش از جریانات و حوادث خونینی که از چند ماه باینطرف در اصفهان بدست عمال ارتجاع اتفاق افتاده است اطلاع دارند اینك برای مزید اطلاع آنها حقیقت قضایای اخیر اصفهانرا مختصراً درج مینمائیم

از دوسال باینطرف که حزب توده‌ایران در اکثر نقاط ایران بخصوص در اصفهان در اثر استقبال کارگران کارخانجات وطبقات ستمدیده روبتوسعهٔ گذاشت «ارتجاع» را بوحشت انداخت وچون «ارتجاع شوم» با تشکیل احزاب ارتجاعی «نهضت ملی» «همراهان» «وطن» «حلقه» نتوانست از پیشرفت نهضتهای آزادیخواهانه وجنبشهای تودهٔ جلوگیری کند بنا براین تصمیم گرفت که بهروسیله هست اتحادیه کارگران اصفهانرا بدواً ازحزب توده ایران مجزا نموده وسپس با نابود کردن رهبران آنها تشکیلات کارگری را منحل و متلاشی سازد.

برای وصول باین مقصود کارخانه چیها وغارتگران اصفهانی بشیوه همیشگی خود متوسل شدند و با صرف پولهای زیادی عده از نمایندگان کارگران امثال «صرافیان» «شمس صدری» «کفعمی» «کیوان» را خریدند وآنها را جیره خوارومجری‌اوامر خود ساختند — در خلال این‌اوقات «سیف پور فاطمی» و «حیدر علی امامی» نمایندگان سرمایه داران رفت وآمد هائی باصفهان نموده وبا نمایندگان نامبرده دید وبازدید هائی بعمل آوردند.

«ارتجاع» کهنه کار در این اوقات بیکار ننشست وبعمال‌خوددستور داد که از «هر گونه کمکهای مادی» بنمایندگان کارگران و بعضی از سرکارگران خود داری ننمایند.

«آنها» هم، یعنی «کارخانه چیها» و «سرمایه داران» دستور «مرشد» خود را طابق النعل‌با النعل‌اطاعت نموده و پولهائیکه‌ازدسترنج کارگران و استثمار زحمتکشان بدست آورده بودند بجریان انداختند

«محمدعلی‌صاحبان» مدیر کارخانه شهرضا برای همین «حسین صرافیان» «ملك وخانه‌خرید» — «حیدرعلی امامی» عضو هیئت مدیره کارخانه ریسباف و نماینده فعلی مجلس شورای ملی و «سلطان رنك ایران — رنگی که‌از آلمانها بشگهٔ هفتصد ریال خرید ویکصدو پنجاه‌هزار ریال‌هم فروخت» دویست هزار ریال خرج عروسی «شمس صدری» نماینده

کارگران ریسباف را پره خت — خلاصه تمام کار پول خرج کردن بجائی رسید که «علی ایازی» نماینده کارگران کارخانه وطن ازپولهای «محمد علی کازرونی» «دو زن» گرفت و باندازه کافی «متمتع» و بهره مند شد.

نمایندگان «خریداری» شده ناچار شدند که بجای‌پیروی‌ازخط مشی اصلی تشکیلات کارگری وحزب توده ایران دستورات مدیران کارخانجات را اجرا نموده وبرای اجرای نیات شوم کارخانه‌چیها عده از افراد بی ایمان و چاقوکشان را استخدام نمودند وکارگران مخالف خودرا زخم میزدند و از کارخانه اخراج مینمودند

تشکیلات کارگری مشابه یك تشکیلات فاشیستی شده بود واحتیاج بتغییر وتبدیل داشت

ازطرف کمیته مرکزی حزب توده ایران‌و شورای متحده مرکزی نمایندگانی باصفهان اعزام شدند وبرای تصفیه اتحادیه کارگران نمایندگان مزبور را اخراج نمودند — نمایندگان اخراجی هم یکمرتبه خود را در دامن «کارخانه‌چیها» انداختند وآنهاهم که همیشه طرفدار!! و حامی!! کارگران هستند تصمیم گرفتند که بوسیله همین نمایندگان اخراجی و بعضی از عناصر مزدور دیگر اتحادیه از «کارگر و کارفرما» تشکیل دهند

برای این منظور جلساتی از صاحبان کارخانجات — نمایندگان‌اخراج شده — بعضی از کارگران مزدور باحضور عده از عمال خائن دولتی — امثال «وارسته» «پاسیار شاپور مختاری» تشکیل شد و محل‌سابق اداره دارائی را هم «حیدر علی امامی» برای اتحادیه مزبور اجاره نمود — در ۲۷ دیماه سال گذشته اتحادیه کارگر و کارفرما افتتاح یافت و تابلوئی بنام «شورای مرکزی اتحادیه کارگران — دهقانان — پیشه‌وران» هم نصب گردید

ناگفته نگذاریم که در مدت یك شبانه روز چند هزار تومان هزینه اثاثیهٔ — سیم — چراغ — میل — رادیو از طرف کارخانه چیها پرداخت شد

این اتحادیه «کارگر و کارفرما» همان اتحادیه ایست که خوانندگان پنجاهمین تلگراف و ناله های مظلومانه !! آنهارا بنام «شورای مرکزی اتحادیه کارگران — دهقانان پیشه‌وران» در روزنامه‌های «سید ضیائی» و حتی در روزنامه صد در صد بطرف! «اطلاعات» قرائت مینمایند.

اتحادیه مزبور تشکیل شد و «محمد علی کازرونی» بنمایندگی مدیران کارخانجات بطهران آمد و برای سخنرانی در اتحادیه نامبرده «سیف پور فاطمی» و «دولت آبادی» نمایندگان مجلس شورای ملی را «کنترات» نموده و باصفهان فرستاد

اولین اقدام این اتحادیه این بود که روز ۳۰ دیماه یکعده صد و پنجاه نفری از اشرار «قهدریجان» و چاقوکشان بتحریك «عباسقلی دهش» مدیر کارخانه ریسندگی برق باداره سیلو ریخته وقریب بیست نفرازکارگران و افراد حزب توده‌را باچوب وچماق وزنجیر سخت مضروب ومجروح نمودند چند روزبود «دولت آبادی» و «سیف پور فاطمی» در پیشاپیش عده کارگر وغیر کارگر باالاتوبوس بکارخانه زاینده‌رود هجوم آوردند و پس از مضروب ساختن چند نفر «جناب آقای حسام دولت آبادی» سخنرانی مفصلی برای کارگران ایراد فرمودند و در همان سخنرانی معروف بود که اظهار داشتند

«کارگران، نان و حقوق ایام تعطیل که از مدیران میگیرید چون بر خلاف میل و رضایت آن ها است حرام است».

بالاخره روزی نبود که چند نفر کارگر بدبخت مضروب ومجروح نشوند و از کارخانه اخراج گردند

در تمام این جریانات «محمدعلی وارسته» استاندار اصفهان درمقابل «حق السکوت» کرافی که گرفته بود «سکوت» اختیار نموده وبهیچوجه ضاربین و محرکین راتعقیب ومجازات نمیکرد بلکه بموجب پرونده‌های موجوده مضروب را بجای ضارب بزندان میفرستاد — قریب دویست پرونده ایرادضرب وجرح در کلانتریها ودادسرای اصفهان‌موجوداست که ازطرف‌مقامات‌صلاحیت داردولتی رسیدگی نشده وتعقیب نگردیده‌است

هرشب وهرروز جلساتی از نمایندگان اخراج شده — وکلای مجلس مزدور و «وارسته» و «مختاری» درمنازل مدیران کارخانجات برپامیشد و نقشه های شومی‌طرح و بموقع اجرا گذارده میشد — در تمام این‌مدت کمیته ایالتی حزب توده ایران اصفهان‌بوسیله نشرمقالات و روزنامه‌ها و بیانیه ها اعلام خطر نموده و کارگران‌و زحمتکشان اصفهان را از نقشه های منحوس «ارتجاع» و «مزدوران کارخانه‌چیها» آگاه میساخت — زدوخورد ها و آشوبها ادامه داشت همه روزه چاقوکشان کارخانه داران در تحت‌حمایت علنی «شهربانی مختاری» برادران کارگرخودرا ناجوانمردانه چاقومیزدند و مجروح مینمودند

«نهبی» وزرمشاور «بیات» برای تحقیق‌باصفهان رفت وروز بعداز ورودش یعنی سه‌شنبه ۷فروردین عده از افراد اتحادیه کارگروکارفرما بنام دادن میتینك و نمایش درتحت حمایت مامورین دولتی نامردانه بکلوب حزب‌توده ایران و اتحادیه کارگران ودفتر روزنامه‌دنیای‌امروزودارالوکاله راولندی و منازل مسکونی چند نفر از اعضاء حزب حمله نموده و کلیه ثانیه محلهای نامبرده را آزادانه و روبروی چشم «پاسبان و سرباز» غارت کرده و مقداری از آنراهم آتش زدند — ناگفته نگذاریم که محلهای مزبور ده‌قدمی کلانتری ۱ بود وباوجوداینکه این غارتگری تنگین دوساعت ونیم ادامه داشت کوچکترین ممانعتی ازطرف مامورین انتظامی بعمل نیامد و حتی محض نمونه‌یکنفر هم‌دستگیر نگردید و بعدا هم‌ازطرف دولت وقت اقدامی بعمل‌نیامد.

نمایندگان اخراجی و چاقوکشان بر تعدی خود افزودند و بشرارت خود ادامه میدادند — همه روزه عده ازکارگران توسط چاقوکشان‌اتحادیه جدید زخم میخوردند و از کارخانه اخراج میشدند قریب دویست نفر ازکارگران بیکار و سرگردان شدند و با اینکه چندین بار نخست‌وزیر گذشته «بیات» کتبا به «وارسته» دستورداد که بیکاران‌را سرکارسابق‌خودبکارند با وجوداین چون «وارسته» در اصفهان از«شخص دیگری» دستورمیگرفت بیکاران را بکار مشغول ننمود و الان هم آن بدبختهارا در زندان شهربانی اصفهان انداخته است

چنانچه یکی از نمایندگان فراکسیون توده که ضمنا عضویت کمیته مرکزی حزب را عهده دار است درمجلس شورای ملی اظهار نمود از هفتم فروردین ببعدهیچگونه تشکیلات حزبی در اصفهان‌وجودنداردوچنانچه‌مندرجات روزنامه باختر را دائر بر اینکه **«دیگر در اصفهان هیچکس از حزب توده اسمی نمیبرد»** اضافه نمائیم آیاچگونه میتوان باور نمود که قتل «حسین صرافیان» و مجروح شدن «کیوان» مربوط بافراد حزب توده اصفهان است؟

«حسین‌صرافیان بتحریك همان نمایندگانی بقتل رسید که یکسال قبل

بحران سوریه

بقیه از صفحه ۱

وسیعی و مترقیانهٔ است که جنبش مقاومت در باره اصلاح در اساسنامه مستعمرات در نظر گرفته‌است وقسمتی ازآن ازطرف‌دولت فرانسه راجع به مراکش‌وهندوچین‌پذیرفته‌واعلام گردیده است.

ولی البته آزاد شدن‌سوریه تنها بشکل مجزا شدن‌آن‌از جامعه‌فرانسوی نیست و ممکن است آزادی و استقلال این کشور در عین بستگی آن بجامعه فرانسوی عملی گردد چنانچه دومیلیون های‌امپراطوری‌بریتانیا درعین‌پیوستگی بانگلستان آزادی کامل دارند. و از طرف دیگر ملت فرانسه و آزادی خواهان فرانسه بهیچوجه‌طرفدارتضعیف دولت فرانسه‌در سیاست جهانی نیستند و شاید آزادی خواهان حقیقی سوریه و لبنان نیز طرفدار تضعیف سیاسی فرانسه نباشند و بدانند که استقلالشان با قدرت دولت فرانسه مباینتی ندارد

نکته دیگری که‌بایددرجریان فوق در نظر گرفت اینست که وعده استقلال سوریه و لبنان از طرف ژنرال ویلسن با اعلام وارد شدن‌این کشور درجرگه دولتهائی که پایهٔ پولشان لیرهٔ استرلنگ است همراه بود و البته اثر این عامل و همچنین اشغال نیروهای انگلیسی‌رادر جریانات بعدی این کشور نباید ازنظر دور داشت.

کسی بعد از این جریانات صحبت اتحاد اعراب بمیان آمد ومسئله‌صورت دیگری بخود گرفت وهرروزتحریکات جدیدی‌برضد دولت وملت فرانسه بوقوع پیوست

انصاف باید داد که نهضت جدید آزادیخواهانه فرانسه و دولت موقتی حتی‌المقدوردر ایفای‌وعده‌خویش کوشیده اند.

دولت فرانسه موقتا همه دولتهای استقلال داخلی برای این کشور ها قائل شده وحتی از حضور آنها در انجمن سانفرانسیسکو اربشتیبانی نکرده‌باشد لااقل مخالفت ننموده‌است درصورتیکه هنوز جنگ تمام نشده و رژیم اجتماعی و وضعیت سیاسی داخلی فرانسه بطور قطعی تعیین نشده است وهمچنین حاضر بوده در اولین فرصت تکلیف قطعی استقلال این کشورها را روشن نماید و شاید با همین‌وضعیت کنونی نیز استقلال حقیقی کشورهای‌سوریه ولبنان‌از سیاری از سایر کشور های خاور میانه بیشتر باشد.

ژرژبیدو وزیر خارجه فرانسه در نامهٔ که اخیراً نوشته این تحریکات را که با اتحاد اعراب بستگی کامل دارد نشان میدهد:

«بحرانی که‌اکنون بوجود آمده ثابت‌میکند که برخی ازعناصرباسیاست خشونت که عواقب آن ممکن است برای‌همه وخیم باشد موافق بوده و میکوشند از اولین بهانه برای تولید اغتشاش استفاده کنند»

اما در مقابل این استقلال دولت فرانسه تقاضا دارد برای حفظ حیثیت خود در سیاست بین‌المللی ازپایگاههای دریائی وهوائی این کشور استفاده‌کند زیرا همانطور که انگلستان ازنظر نفت و برای ارتباط خود با مستعمرات در خاور میانه بنفوذ قطعی محتاج است دولت فرانسه نیز خاور میانه را راه ارتباط خود با هندوچین میداندوصنعت فرانسه از نفت موصل که از سوریه عبور میکند سیراب میشود و نمیتواند در مقابل اضمحلال کامل سیاست خویش در خاور میانه ساکت بنشیند و حقیقتا اگر از نظر ملت فرانسه نگاه کنیم تقاضاهای کنونی او حد اقلی است که صرف نظر کردن در آن برایش غیر مقدور است.

بقیه دارد

حربه ما

بقیه از صفحه ۱

را از روی این افسانه ها قضاوت کنند کاش باین منطق سست اکتفامی کردند و لااقل دروغی را که اختراع کرده اند طوری آرایش میدادند که ظاهر آن حفظ میشد. مثل معروف «دروغ گوکم ذهن و حافظه است» کاملا در مورد این مقاله صدق میکند اینك نمونه از این تناقض بینی:

مینویسند تون تاب مزبور اظهار کرده است «بمن گفته اند زعمای حزب توده سرکار میایند. در مملکت تحولی بشرحی که در فوق گفتم خواهند داد و امثال من سرمایه دار خواهند شد و شما ها هم فعله و حمال.»

مقصود ازاین عبارت چیست که‌بقول شما حزب توده‌ایران نشر میدهد؟ اگر منظور از بین بردن رژیم سرمایه داری است چرا باید سرمایه دار اولی برود و تون تاب جانشین او شود؟ سرمایه دار سرمایه دار است خواه سرمایهٔ خود را از والا عظیم الشان بارث برده باشد خواه در نتیجه تحول بخصوصی بچنگ بیاورد. پس با این منطق حزب توده ایران باید بر خلاف آنچه شما میگوئید و مینویسید با رژیم سرمایه داری اصولا مخالف نباشد اگر اینطور است چرا در همان مقاله مدعی‌شده‌اید که ما تابع مرام کمونیستی میکنیم و چنین وانمود کرده‌اید که منظور ما انتشار این عقیده است؟همه‌میدانند که کمونیسم‌دشمن‌سرمایه‌داری‌است چگونه‌ممکن‌است که‌دارنده چنین عقیده‌ئی‌طرفدارا‌ستقرار‌رژیم رمایه‌داری‌شود؟ از طرف‌دیگرمیگوئید که ماتظاهربه‌درشتن‌چنین عقیدهٔ میکنیم ولی حقیقتاً معتقد نیستیم‌ومینویسید در آئین کمونیستی بهیچوجه چنین قواعدی که توده‌ای های تهران آنرا جزو بر نامهٔ عمل خویش قرار داده‌اند وجود ندارد»

بسیار خوب شما هم که خود را مخالف این عقیده معرفی میکنید وآنرا (باآب و خاك ونشو و نمائی که در این کشورمیشود) سازگار نمیدانید درایصورت چه نگرانی دارید؟ما راهم که با خود بنا بر آنچه میگوئید هم عقیده میدانید پس چرا اصرار در اثبات خلاف‌آن دارید؟

مینویسید «تاسف از اینست که درحزب توده کسانی هستند که‌تحصیلات عالیه‌کرده و برسوم باستانی ایران معتقدانی باید داشته باشند و میدانستند که ایران ۲۵۰۰ سال است سابقه رژیم پادشاهی معظمی دارد و این رژیم را نیز نمیتواند تغییر بدهد و اصول سرمایه داری راکه عده از زعمای حزب توده نیز از زمره سرمایه داران هستند نمیتواند جانشین رژیمی بکنند که با آب و خاك و نشو و نمائی که در این کشور میشود سازگار نیست....»

ازاین‌عبارت‌چه نتیجه میگیرید؟ میخواهید بگوئید که‌رژیم سرمایه‌داری با اوضاع کنونی ایران سازگار نیست؟ پس چرا خود از آقای(ج ا) مخترع این افسانه که بقول شمااز سرمایه‌داران بزرگوار است تحسین وتمجیدمیکنید و معتمد و مکارم او را می ستائید؟ و اگرواقعا مخالف سرمایه‌داری هستید چرا علنا بنفع سرمایه داران تبلیغ میفرمائید؟

از یکطرف مدعی هستید که ما میخواهیم سرمایه داری بزرگوار و نیکوکار جنابعالی را باسرمایه‌داری‌تون تاب عوض کنیم ازطرف‌دیگرمیگوئید ما میخواهیم افکارکمونیستی را تبلیغ کنیم بعدا اعلام میکنید که ما کمونیست نیستیم و میخواهیم اصول سرمایه داری را جانشین اصول سلطنت ۲۵۰۰ساله ایران بکنیم.

اعتراف کنید که آقای ا.ع نه خود فهمیده است چه‌میگوید و نه شما میتوانید برای این‌عبارات بی‌مغز که ازقلم‌یکنفر مصروع تراوش کرده است توضیحی بدهید

چرا اصلا شعر میگوئید که دچارتنگی قافیه شوید شما که هنوزعقاید مختلفه اجتماعی وسیاسی را ازهم تمیز نمیدهید و اصولا نمیدانید مقصود از سرمایه داری یا کمونیسم یا سوسیالیسم چیست مگر مجبور هستید در این مسائل بحث کنید. میدان دروغ باز است بروید دروغ دیگری‌که شاخ باین بزرگی نداشته باشد پیدا کنیدوبگوئید. مطمئن‌باشید کسی‌هم پایی‌شما نمیشود هرچه دلتان میخواهد ازاین قبیل بنویسید تا مشتان بشتر باز شود اگر زعمای حزب توده‌چنانکه مدعی هستید سرمایه دار هستندمگرعقلشان کم شده که زحمت بکشند و بقول شما سرمایه خود را به (تون تاب یا دلاك حمام یا تخم مرغ فروش) بدهند

حقیقت اینست که از اتحاد تون تابها، دلاکها، و تخم مرغ فروش ها و خلاصه کلیه‌زحمتکشان این کشور ترسیده و حواس خود را از دست داده اید ولی با شما میگوئیم هنوز اول عشق است اضطراب مان اتا زود است و وقت برای شما باقی است بدون اینکه خود را وارد معقولات کنید با هم مسلکان عزیزتان که پرونده های جزائی آنانرا با اسناد مثبته انتشار دادیم وتکذیب هم نکردید شرکتی تشکیل داده و هر چه می توانید از اموال توده تاراج کنید زیرا عجالتاً میدان دست شماست و ماجز منطق وایمان و اتحاد توده های زحمتکش حربهٔ نداریم.

در مجلس شورای ملی فریاد میکردند و تقاضای تبعید او رامینمودند — همین آقای دولت آبادی در فروردین ماه سال گذشته بموجب صورت مجلس‌های از یکی از «محترمین» اصفهان اظهار داشتند که «دولت بایستی پانزده نفر از نمایندگان کارگرانرا تبعید نماید» و فعلا قریب پنج ماه است که‌باهمان «نمایندگان» معاشرت و مجالست مینمایند ودراتحادیه‌آنها سخنرانی میکنند

آری «صرافیان» که یك فرد زحمتکش اغفال شده‌بود قربانی‌هوا وهوس کارخانه‌چیها و «دولت آبادیها» و «سیف‌پورها» و «وارسته‌ها» و «مختاریها» شد

آتشی که کارخانه‌چیها و عمال خائن دولتی برای محو آزادی و آزادیخواهان روشن کرده‌اند نه‌تنها دامنگیرخودآنها میشودبلکه سرانجام کلیه هستی‌وتار وپود آنهارا خواهد سوخت

مادر همان اوائل این جریانات وحوادث شوم نوشتیم که **«دولت آبادی و سیف پور فاطمی» کارگران اصفهانی را بخون خواهند کشید — ما نوشتیم که‌در اصفهان بوی خون میآید — ما نوشتیم که سرمایه دار بدست زحمتکش زحمتکش‌رانابود میکند** — ما نوشتیم که «ارتجاع» در نظر دارد بدواً اتحادیه کارگرانرا ازپشتیبانی حزب‌توده ایران مجزانموده وسپس‌سران آنهارا نابود کند وسر انجام کارگران بی سرپرست را مانند دوران قبل از شهریور شدیداً سرکوب نماید

حسین صرافیان‌هم یکی ازهمین سران اتحادیه کارگران بود یکی‌از همین اشخاصی‌بود که «بایستی از طرف کارخانه‌چیها و اربابان‌آنها نابود شود» — نقشه‌آنها عملی شد واز نفرت توده‌ها نسبت چاقوکشان و سران اتحادیه قلابی «کارگر و کارفرما» استفاده کردند وحسین صرافیان را بقتل رساندند

بقیه درصفحه ۲

خلاصه خبرهای جهان «آژانس پارس»

هنوز در انجمن سان فرانسیسکو چهار مسئله حل نشده باقی مانده است ـ بحران سوریه و لبنان باقی است ـ محافل امریکا در موضوع سوریه مردد ند ـ حزب کومینك تانك خال دیکتاتوری دارد ـ فاشیست های فراری آلمان در اسپانیا آزادی کامل دارند

انجمن سانفرانسیسکو

سان فرانسیسکو ـ اوژن ژوکف خبرنگار ویژه روزنامه ایزوستیا در سان فرانسیسکو امروز چنین خبر میدهد که وقایع سوریه و لبنان در انجمن سانفرانسیسکو در ردیف یکی از مسائل اساسی قرار گرفته ودراهروهای انجمن پیوسته با جوش وخروش در باره آن گفتگو میشود.

آنانکه بهروسیله و بهانه‌ای میکوشند که مسئله ایجاد یك سازمان نیرومند امنیت بین‌المللی را مانع گردند از این پیش آمد بنفع خویش استفاده میکنند.

اکنون میشنویم که برخی از محافل اظهار میدارند که عملا اقدامات انجمن بی‌نتیجه میباشد.

در باره مسئله حق‌رای خبرنگار ویژه ایزوستیا چنین مینگارد که اعضای شورای امنیت بزرگترین نیرو را از لحاظ نفرات و مواد جنگی در اختیار دارند.

درنتیجه تنها تصمیمات متفق پنج دولت بزرگ میتواند حقیقتا از بروز جنگ دراقطار واکناف گیتی جلوگیری نماید.

هرگاه انجمنی عمومی تشکیل میشد که درآن کلیه اعضاء دارای حقوق مساوی بودند وهرآینه انجمن مزبور با اکثریت قاطع دول دوچك در باره انجا کاری اتخاذ تصمیم مینمود آنوقت بطور احتمال امکان عملی ساختن تصمیمات دول کوچك در مقابل عقیده دولت اتحاد جماهیر شوروی وامریکا و انگلیس و فرانسه و چین کمتر بود.

بیشتر روزنامه های امریکا ازروش سیاسی فرانسه درسوریه و لبنان ابراز انزجار میکنند ولی برخی دیگر از آنها نسبت بسیاست انگلستان در تردید میباشند.

روزنامه نیویورك درسرمقاله خود وزیر امورخارجه امریکا راشدیدا بباد انتقاد گرفته و نامبرده راتهم میکند که باسانی نظریات دولت انگلستان را درباره وقایع خاور میانه پذیرفته است.

برخی ازروزنامه‌های امریکا اظهار دلتنگی مینمایند که چرا نکته‌ای که استتینیوس وزیر امور خارجه آمریکا که اخیرا در نطق خود اشاره نموده وگفته است که دولت امریکا باید درگیتی نقش مهمی بازی نماید مورد تصدیق وتصویب دیگر دول معظم و قع نشده است به‌چندین دلیل سیاست میانجیگری که از جانب گریو معاون وزارت امور خارجه امریکا اتخاذ گردیده ممکن است براساس سیاست امریکا لطمه وارد آورد.

چندتن از نمایندگان مجلس میتوان نزد وی رفته و تاکید کرده‌اند به سیاست دوستی اتحاد جماهیر شوروی که بدست روزولت رئیس‌جمهور فقید امریکا آغاز گردیده بود ادامه داده شود.

گریو در پاسخ به سئوالی که ازوی شده است شایعات مبنی براینکه دولت امریکا مثبت به سیاست انگلیس و امریکا برعلیه اتحاد جماهیر شوروی گردیده است تکذیب نموده است همینقدر که یك چنین موضوعی مورد سئوال واقع شده معلوم میشود که امریکائیها از تبلیغات ضد شوروی بیمناك بوده و به تقویت مناسبات دوستانه بین اتحد جماهیر شوروی و امریکا اصرار دارند.

سان فرانسیسکو ۳ ـ خبرگزاری فرانسه خبر میدهد که در هفته گذشته چهار موضوع در سان فرانسیسکو کلیه مسائل دیگر راتحت الشعاع قرار داد که عبارت از مسئله رای که اختلاف اتحاد جماهیر شوروی و چهار دولت بزرگ دیگر راجع بان هنوز لاینحل مانده وسیولف نماینده شوروی در این خصوص به مسکو احضار شده است

دوم مسئله قیمومیت که راجع بآن نمایندگان شوروی حذف ماده ۵ از بخش «د» را که بنظر آنها محافظه کار است خواستار گردیده لکن حاضر شده اند که با دولت انگلیس و فرانسه متن سازشی را موردبررسی قراردهند

سوم مسئله قرار دادهای محلی که اخیرا در شرف حل شدن است و این راه‌حل نیز مبنی برتکمیل متنی است که از طرف دولت فرانسه تسلیم شده است. بالاخره مساعی لازم برای اختتام انجمن که بجائی نرسیده است گو اینکه روز شنبه پنج دولت جلسه تازه‌ای تشکیل داده و روزیکشنبه درساعت ۱۶ نیز جلسه دیگری منعقد ساختند دستگاه اداری انجمن نیز فوق العاده پر پیچ و خم است بطوریکه یکی از نمایندگان چنین اظهار داشته است که هرگاه هم بطور معجزه آسائی فردا سازش کامل بین همه نمایندگان حاصل گردد اقلا ده روز طول می کشد تا این سازش روی کاغذ بیآید روزشنبه در طی جلسه پنج دولت بزرگ راجع به متن قرار داد مربوط به چگونگی رای دادن در منشور آینده سازش حاصل گردید لکن اختلاف بین اتحاد جماهیر شوروی و چهار دولت بزرگ دیگر ناشی از طرز تفسیر این متن است و بنا بود این اختلافات در اعلامیه مخصوصی بطوریکه کار انجمن را مختل نکند توضیح داده شود ولی نمایندگان جراید از روز شنبه تاساعت ۲۲ منتظر انتشار این اعلامیه بودند لکن اتحاد جماهیر شوروی رسایر دولتهای بزرگ نتوانستند راجع به متن اعلامیه سازش حاصل کنند وبنا براین از انتشار آن خود داری شد. روسها عقیده دارند که موضوع بررسی یك اختلاف یك موضوع تشریفاتی نیست وحال آنکه چهار دولت دیگر در این خصوص عقیده دیگری دارند. تزیید جلسات پنج دولت و همچنین مسافرت سویلف به مسکو موجب امیدواری برای حل مسئله چگونگی رای دادن گردیده است که بمرحله بن بستی رسیده است

در چین

مسکو ـ روزنامه ایزوستیا در یکی از مقالات امروز خود حزب کومونیست تانك چین را متهم می سازد که در صدد استقرار اصول دیکتاتوری در چین میباشد روزنامه موسکویت چنین مینگارد که اراده آزادیخواهان چین بمنظور آنکه کشور مزبور را دموکراسی نمایند با مخالفت سخت عمال ارتجاع کومونیست تانك مواجه شده.

سیاست این سازمان درباره وحدت ملی با سیاست ملت مخالف میباشد زیرا نیروهای ملی را تقسیم میکند این روش خطر بروز جنگ داخلی را در پیش دارد و مخصوصا از رویه‌ای که اعضای کومونیست تانك نسبت بکمونیست ها و سازمان های دیگر آزادیخواه چین اتخاذ کرده‌اند بخوبی خطر جنگ داخلی هویدا است معهذا روزنامه ایزوستیا خاطرنشان میسازد که سونفو رئیس مجلس شورای ملی از جمله اعضای کومونیست تانك میباشد که طرفدار وحدت ملی وآزادیخواهی کشور میباشد.

اخبار کشور

آزادی بازداشت شدگان

۱۳ نفر دیگراز بازداشت شدگان آقایان علی اکبر موسوی زاده حسینعلی نقیب زاده ـ آراداشو بابالیان ـ دکتر عباس حکیم معانی ـ مستشاری ـ دکتر محمد شروین ـ ابراهیم سپهر ـ یوك فاتحی ـ دکتر رازی (شیخ الاسلامی) مانوك مارتین ـ محمد رضا خدمت بری علی کل محمدی ـ غلامحسین کل محمدی دیروز آزاد گردیدند

تحصن دهقانان در تلگرافخانه

رعایای آصف دیوان مالك در مراغه از ظلم وتعدی آصف تلگرافخانه با زن و بچه جمع تقاضای رفع ظلم از مقامات دولتی از تبریز مینمایند

مراغه‌ئی زاده

کمیسیون پیشه و هنر

دیروز قبل ازظهر کمیسیون پیشه و هنر برای تعیین هیئت رئیسه خود تشکیل وهیئت رئیسه بترتیب زیر تعیین شد

نمازی رئیس

صدریه نائب رئیس

حیدرعلی امامی مخبر

جواد مسعودی منشی

و قرار شد که کمیسیون تشکیل و در اطراف قانون کار مطالعاتی نموده ایجه را بکمیسیون گزارش دهد

•••

برای مطالعه در اطراف قانون کار وتهیه گزارش آن چند نفر کارخانه‌چی وسرمایه دار انتخاب میشوند. از مجلسی که نود درصد آن نماینده سرمایه دار وملاك است جز این هم انتظاری نمی رفت. لیکن طبقه کارگر ایران هم بیدار بوده و باین دسایس بامبارزه خود جواب خواهد داد

ورود

آقای شیخ الاسلام قفقاز ساعت ۲ از قزوین حرکت نموده و ساعت ۴ و ربع بعد از ظهر دیروز وارد ایستگاه تهران شدند.

در مجلس

دیروز قبل ازظهر قرار بود جلسه خصوصی مجلس تشکیل شود و نمایندگان تمایل خودشان را برای تعیین نخست وزیر ابراز دارند ولی بواسطه عدم حصول اکثریت جلسه خصوصی تشکیل نگردید وبفردا ساعت ۹ و ۱۰ دول شد

اخطار

از کلیه اعضای هیئتهای عامله اتحادیه‌های تهران دعوت میشود که روز جمعه ۱۸ ر ۳ ر ۲۴ ساعت ۶ صبح در کلوب مرکزی حزب توده ایران حاضر شوند.

غائبین شدیداً مواخذه خواهند شد

۲ ـ ۵ کمیسیون انتظامات

سوسیالیزم

بها ده ریال «بنگاه آذر» خیابان سعدی

ش آ ـ ۸۸ ۳ ـ ۳

روز نامه مزبور در پایان چنین نتیجه میگیرد که ملت چین که تا این پایه برای نجات ملی خود کوشیده اکنون پی میبرد که برای رسیدن به پیروزی تنها درهم شکستن حریف کافی نیست بلکه باید کشور خود را دمکراسی نمایند و وحدت ملی را در آنجا عملی سازد.

در خاور دور

کوام ـ از آغاز ماه مه پانصد هزار الی یك ملیون یادداشت بوسیله هواپیما بر فراز شهر های مهم ژاپن مانند توکیو و اوزاکا و کوب و کیوتو و یوکو ها ما و شهر های دیگر ریخته شده و از اهالی آنشهر ستانها درخواست شده که ترك مخاصمت نمایند.

از طرفی حملات بمبهای آتش زا بر اراضی ژاپن همچنان ادامه دارد.

هواپیما های ناوگان در باسالارهالسی که اخیراً بنواحی جزایر ژاپن وارد شدند جزیره کیوچو را بمباران کردند وبمبهای مخصوصی که اخیراً واشنگتن بکار بردن آنها را دقیقا تشریح کرده است بر این جزیره ریختند

هریك از این بمبها در حدود ۱۰ لیوروزن دارد و محتوی مواد مخصوصی منتقل برگرد سنبزی و گودروف و نفت غلیظ و فسفور میباشند

همینکه این بمب ها بزمین میرسند محتویات ژلاتین خود را از هر طرف بشعاع ۲۵ متر منتشر میسازد.

گوناگون

چنانکه رادیوی برلن خبر داده است دکتر ارتورورنر رئیس شهرداری برلن تصمیم گرفته است به افتخار ستمدیدگانی که از بازداشتگاه ها مستخلص گردیده‌اند بنای یادبودی ساخته شود و گفته است ما باکمال احترام وتاثر به این مردان وزنان مصیبت زده درود میگوئیم.

•••

جمع کثیری از نازیستها بویژه از فرماندهان تیپهای سیاه پوش و گارد جمهوری ملی درمیلان دستگیر گردیده‌اند.

سه‌هزارو هفتصد تن فاشیست در زندان سیاسی ویتور واقع در میلان محبوس میباشند.

•••

اغلب روزنامه‌های انگلیس خبری را که از طرف اتحادیه مطبوعات انگلیس ازاستانبول رسیده و مشعر برآنست که (وین ترپ) وزیر امور خارجه سابق آلمان و تقریبا یکصد نفر از روسای دیگر نازی باکمال آزادی در اسپانیا بسر میبرند انتشار داده‌اند.

خبر اتحادیه مطبوعات انگلیس که درروزنامه دیلی اکسپرس منتشر شده حاکی است که دولت برتقال به یازده موسسه بازرگانی آلمانیها اجازه داده است مجددا مشغول کار شوند.

•••

رادیوی بلگراد خبرمیدهد که کارگران راه‌آهن درتریست انجمنی تشکیل داده اند.

این نخستین انجمنی است که پس ازسالها اسارت دست فاشیستها اکنون درتماشاخانه ملی تریست تشکیل یافته است.

از طرف کمیته‌های کارخانه‌های فلزکاری نیز میتینگها وتظاهراتی داده شده است.

•••

یك زیردریائی آلمانی درنزدیکی بندر لگروس نزدیك ابورتودرحال غرق شدن مشاهده دیده است.

کارکنان آن که مرکب از چهل وهفت نفرمیشدند قبل از غرق زیردریائی نجات یافته اند.

افسران تحصیل کرده

بقیه از صفحه ۱

ستوان دو پیاده ع ویانوس ۲۴ ـ همردیف ستوان ۳ ابوالفضل صفوی ـ

ازطرف رئیس ستاد ارتش

سرهنك سیاسی»

بیشتر این افسران از تحصیلکرده ترین افراد ارتش میباشند و ما برای نمونه درجه تحصیلات چندتن ازآنهارا ذکر میکنیم:

۱ ـ سروان مالی کوهری دانشکده حقوق را تمام کرده دولیسانس قضائی وسیاسی را دارد

۲ ـ سروان توپخانه مجتبی اخوی دانشکده افسری، دوره تکمیلی توپخانه را دیده و اکنون درسال ۲ دانشکده حقوق مشغول تحصیل است.

۳ ـ ستوان یکم تقفدی دانشکده فنی را دیده و اینك درسال ۴ دانشکده حقوق مشغول تحصیل است.

۴ ـ ستوان یکم هوائی صالحی دانشکده فنی را دیده و اینك درسال ۲ دانشکده حقوق مشغول تحصیل است.

شرح ماجرا اینست که دادرسی ارتش در چندی پیش برای اینکه صورت آراسته ای تعوید عده‌ای از افسران تحصیل کرده و مخصوصا حقوق دیده را در آن اداره بخدمت گماشت اما در مدت اندکی باین نکته برخورد که افسران تحصیل کرده حاضر نیستند دست و پا بسته تسلیم بیسواد ها شوند و آلت اغراض آنها گردند. ازاین جهت عده‌ای از آنها را قسمت های دیگر منتقل و سپس بعنوان «زائد بر سازمان» منتظرخدمت کردند.

ما نمیخواهیم درخصوصیات افسران مذکور وارد شویم تا رکن جاسوسی ارتش باین بهانه مزاحم آنها نشود اما معذالك از تذکر این موضوع ناگزیریم که آقای سروان دوهری که اصال ز ترفیع محروم گشت واینك منتظر خدمت میشود در مدت خدمتش بقدری مورداعتماد و احترام ارتش بود که در درجه ستوان یکمی مقام سرهنگی در ارتش داشت متصدی خزانه داری لشکر ۲ بود ولی همین افسر بجرم اینکه بعدآوارد دانشکده حقوق شده ولیسانس گرفته است باین سرانجام اسف آور دچار گردید.

البته یك جانب تقصیر متوجه این افسر و امثال اوست که تصور میکنند میتوان دریك جامعه فاسد کار و کوشش خود راپایه ترقی و پیشرفت قرارداد و بروی علم و دانش تکیه نمود. اینك هم متاسفانه بعضی ازهمین افسران در انتظار اند که در چنین دستگاهی از راه شرافتمندانه بموفقیتی نائل آیند آیا اینهمه دلائل روشن برای آنها کافی نیست تا بدانند که این راههای شرافتمندانه از هرسو بر آنها بسته است؟

ما باز بافسران جوان و شرافتمند خطاب نموده توجه آنها را بفرمان مذکور معطوف میگردانیم و گفتار گذشته را تکرار میکنیم که این سازمان غلط ارتش لایق شاهپور علیرضا ها، سرهنك عطاپورها، کریم آقاها و سپهبد احدی‌هاست این سازمان غلط دشمن علم ودانش است میخواهند شمارا کور و کر بار بیاورند وهر وقت بینا و شنوا شوید شمارا بیرون میریزند این سازمان غلط درپی دژخیمان مزدور میگردد و مردان باشخصیتی را که مشت خودشانرا حاضر نیستند برسر برادران بیگناه فرود آورند سرکوبی میکند.

افسران باشخصیت باید برای حفظ اشرافت خویش باین سازمان غلط مبارزه نمایند وآثار شوم دوره رضاخان را یکباره بزدایند.

قاتل صرافیان

بقیه ازصفحه ۲

کارگران اصفهان ـ «صرافیان» اولین قربانی هوا وهوس کارخانه چیهانیست «آنها» و «اربابان آنها» نقشه‌های منحوس دیگری دارند که محو ونابودی کلی شمارادر بردارد

شما در منطقهٔ هستید که مرکز فعالیت «آنهاست» اصفهان دژ سرمایه داران ومرتجعین ایرانی است

«آنها» نمیخواهند که «شما» آزادی داشته باشید «آنها» از نفوذ هرگونه افکار آزادیخواهانه در «آنجا» وحشت دارند «آنجائیکه» **که شما برادران کارگر اصفهان هستید و قدری پائین تر نزدیك به «آنجا» ست.**

«آنجا» برای «آنها» خیلی اهمیت دارد بنا بر این بهروسیله هست میخواهند از متشکل شدن «شما» جلو گیری کنند ـ «آنها» بحربه های گوناگونی متوسل میشوند **«آنها» نامردانه بشما حمله میکنند وناجوانمردانه خانه شما را غارت میکنند** شما کارگران اصفهانی بچشم خود دیدید که «وارسته» استاندار بجای اینکه ضاربین شما را مجازات کند مضروبین را در زندان میافکند ـ شمامیدیدید که «وارسته و مختاری» روزی چندبار از «یك مامور بیگناه» دستور میگرفتند و طبق النعل بالنعل رفتار میکردند

شما نقشهای گوناگون «ارتجاع» را دراصفهان دیدید

شما دیدید که کسی که قریب بیست سال بود تبلیغ آئین مسیحیت میکرد یکمرتبه خود را مسلمان!! نامید و حزب اسلام!! و قرآن!! تشکیل داد و پای منابر روضه گریه و زاری میکرد ودردسته های سینه‌زنی شرکت می نمود.

شما دیدید همین شخص یعنی «سیف پور فاطمی» بروی کارگران پشمباف تیر اندازی کرد و بجای اینکه طبق مقررات قانون تعقیب شود چندنفر دیگر ازبرادران شمارا بزندان افکندند.

بالاخره شما کارگران با هوش اصفهانی دیدید که چگونه «حسین صرافیان» فریب «خانه ـ ملك» کارخانه چیها را خورد وسر انجام جان خودرا ازدست داد.

ما باز هم برای هزارمین بار بکارگران و زحمت کشان اصفهان گوشزد مینمائیم و میگوئیم که «صاحبان کارخانجات» اصفهان با پول های سرشاری که از غارت کردن دسترنج شما بچنگ آورده اند میخواهند اختلافات موجود را فاحش تر نموده وبا ایجاد اختلافات شدید فرد فرد سران شما را نابود ساخته و اوضاع را مطابق دلخواه وآرزوی اربابان خود بحال قبل ازشهریور بگردانند ـ بیدار باشید ـ متحد شوید ـ یقین داشته باشید که این آرزو رابگور خواهند برد

www.iran-archive.com

رهبر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
ایرج اسکندری

تك شماره دو ریال

بهای اشتراك
سالیانه ۴۰۰ ریال
ششماهه « ۲۰۰
سه ماهه « ۱۰۰

این روزنامه عضو جبهه آزادی است

برعلیه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید

کارگران . دهقانان . روشنفکران پیشه وران . برعلیه ارتجاع متحد شوید

۲۴ جمادی الاخر — شماره تلفن ۴۸۵۳ — ۵ ژوئن ۱۹۴۵

اصول تشکیلات حزبی

بقیه از صفحه ۱

رسیده وحالت خاصی داشته یعنی سرحله‌ای رسیده باشد که نهضت را بزاید و آنرا پیروراند اگرچه اجتماع هرگز خالی از نهضت و جنبش نیست ولی منظور ما نهضتهائی است که اساس و شکل جامعه را دگرگونی می‌بخشد و ماهیت آنرا بکلی عوض می‌کند و آنرا بایك جهش ازوضعی بوضع دیگر درمی آورد .

شرائط سوبژکتیف

« برای آنکه یك نهضت بموقع زائیده شود و خوب رشد کرده تکامل یابد باید عوامل شخصی نیز مستعد و قوی باشد مقصود از عوامل شخصی عبارتست ز تشکیلات و شخصیت های حزبی اراده این تشکیلات وشخصیت‌ها وفداکاریها و نقشه های آنهاست که میتواند نهضتی را رشد ونمو بدهد.

اینجا حزب آگاه میخواهد حزبی که بتواند پس از شناسائی محیط و تشخیص درجه تکامل آن ظرفیت محیط را هم تشخیص بدهد احتیاجات محیط را درك کند ومطابق آن نقشه بکشد و موقع شمار داده اجرا بکند بداند چگونه باید قدم برداشت وفاصله قدمها چقدر باید باشد ، بداند چگونه باید توده‌ها را بیدار کرد وآنها را متشکل ساخته و رهبری نمود و بالاخره آنهارا باتح گردانید خلاصه استفاده ازموقعیت ووضع خارجی بسته بنفوذ وقدرت حزب است که خود باید خصوصیاتی را دارا باشد ، باتجربه و با هدف باشد ، تئوری خود را باصل و با محیط خوب تطبیق دهد وباصول و طرق مبارزه آشنا باشد ، ازتجربیات احزاب آزادیخواه ممالك دیگر استفاده کند ، وحدت وهمکاری داشته باشد دیسیپلین و انضباط در آن حکومت کند باوجود موقعیت خارجی سازمانی با این کیفیات باید وجود پیدا کند تا نهضتی پیروز مندانه پیش برود . و مبارزه از روی یك خط مشی صحیح جریان یابد

در صورت نبودن چنین تشکیلاتی ارتجاع و عکس العملهای ضد نهضت فورا استفاده خواهد کرد و نطفهٔ آزادی خواهی رادرجنین خفه خواهد نمود واگر رشدی هم حاصل شده باشد جلو جریان را خواهد گرفت

بزرگترین وظیفهٔ یك حزب نحوهٔ اجرای منویات آن حزب است هرچند جمعیتی آرمانش صحیح و تئوریهایش درست باشد وبرنامه کاملی طرح نموده باشد نباید انتظار داشت که توده ها دفعتا از وضع ایدئولوژی سا خواب آلودگی سابق بیرون آیند ودور آن حلقه بزنند ، حزب باید آرمان وتئوری را طوری بموقع اجرا بگذارد که آنها بتدریج بیدار گشته متشکل شوند و بمبارزه خو بگیرند

باید تزریق مواد اصولی باتبلیغات طوری آمیخته و هم آهنك باشد که کم کم توده آنچنان که لازمست بار آید ، درتوده ها باید از زندگی آنها شروع کرد وجلو رفت درقدمهای نخستین از تئوریها و اصول عقاید زیر گوششان خواند ثمری نمی بخشد باید تئوری و اصول را از زندگی ساده و بی تکلف آنها استخراج کرد و بخوردشان داد تا بمذاقشان بنشیند باید از احتیاجات روزشان شروع کرد ، وبالا آمد اگراین موارد مراعات گردد اگر این شرایط جمع شود یعنی در محیطی هم شرایط عینی وجودش مستعد قبول نهضت باشد و هم حزب خوب وباشخصیت تشکیل گردد پیروزی برای نهضتهای آزادیخواهانه حتمی است و توده ها بدون هیچ تردیدی موفق خواهند شد مخصوصا اگر شق دوم بطور کامل وجود پیدا کند فتح توده‌ها زودتر خواهد شد و تکامل سریعتر انجام خواهد گرفت میزان فعالیت و کار و کوشش یك حزب مخصوصا اگر صحیح و دقیق انجام گیرد در حصول پیروزی تاثیر بسزائی دارد نه تنها پیروزی را دامنه دار و عمیق بیار میاورد بلکه از لحاظ زمان هم در مدت نسبتا کوتاهی انجام خواهد گرفت .

دو کشور اروپائی

برای روشن شدن مطلب بالا دو کشور اروپائی (آلمان و شوروی) را از لحاظ ظهور وتکامل وپیروزی نهضت آزادیخواهانه مورد مثال قرار میدهیم: اولی در طول تقریباً دوصد سال توده هارا بیدار کرد ، مبارزه نمود و به پیروزی نائل آمد اما نتوانست این پیروزی وفتح را طوری نافذ و موثر ووسیع ودامنه دار بیارآورد که بعقب کشیده نشود و تزلزل نیابد . ناچار مواجه باشکست گردید وازهم پاشیده شد هنوزهم که چهارتا پنج نسل درد بدل آن جریان زحمت می کشند بموفقیت عالی نرسیده ونتوانستند ارتجاع سیاه و بیرحم را از خانه خود بیرون کنند و جامعه خودرا از لوث وجود منحوسش بزدایند . بخصوص که در این جنگ تا اندازه ای نهضتها نضج گرفته اند و توده‌ها قدرت ونفوذ خود را دوباره کسب کرده‌اند وامید است که اگر ازتجارب گذشته عبرت بگیرند وموقعیت زمانی ومکانی راخوب تشخیص دهند به پیروزی نهائی نائل آیند .

در کشور دوم درعرض ۴۸ سال نهضت ایجاد شده رشد کرد و آخرین ضربت راطوری بردستگاه ارتجاعی وارد آورد که دیگر اثری ازآن بر جای نماند . دراینجا آنچه اثر خودرا خوب و بموقع بخشید وجود یك حزب نیرومند و صحیح بود که نه تنها جریان را ازهر گونه انحراف ومسامحه باز میداشت بلکه بطور صحیح ومنطقی پیش میبرد بااین خواص نه تنها دروازگون کردن بناهای ظلم و استبداد و الغاء رژیم استثمار پیروزمند شد بلکه در سازمان جدید وطرح نو عملا موفقیتهای شایان و عظیمی بدست آورد ودراین جنگ نیز همانطور که ثابت گردید نه تنها دربرابر شدید ترین ضربات از پای در نیامد بلکه نیرومندتر وآهنین تر گردید .

علت عمده این اختلاف ، این شکست و پیروزی ، همان اختلاف فاکتور سوبژکتیف است که دردومی با نفوذ عالی و صحیح بود ولی اولی آن قدرت و خواص لازم و کافی را نداشت . یعنی هرگز در کشور نخستین یك حزب متشکل و نیرومند باتکیه به ملیون ها توده یعنی واقعی کلمه بوجود نیامد .

وضع کشور اول تقریبا باممالك ما در موقع انقلاب مشروطیت قابل قیاس است هرچند عوامل مختلف محیط ما با آن دربسیاری از جهات تفاوتهای اساسی دارد

فرهنگ ، سیاست ، اقتصاد کیفیات اجتماعی و تاریخی ما ، همین عوامل در کشور اول فرق میکند ولی از نظر فاکتور سوبژکتیف یعنی وجود نداشتن یك حزب رهبر وبنیاناً یکه یکر شباهت دارند . در انقلاب مشروطیت نبودن یك حزب قوی و متشکل متکی بتوده باعث شد که انقلابی نارس ، انقلابی که نتوانست وظیفه اساسی خود را آنطور که لازم بود انجام دهد بوجود آمد و بلا فاصله چون سطحی و غیر عمیق بود مورد سوء استفاده ارتجاع قرار گرفت و بیك دیکتاتوری خشن و من درآوردی قلب ماهیت پیدا کرد . در کشور آلمان نیز شبیه این وضعیت بوجود آمد وباعث پیدا شدن حکومت فاشیسم گردید .

از افراشته شاعر توده

آتش به اختیار

سرباز ها بزانو، آتش باختیار
شمشیر کش پیش سپس عده ای سوار
این توده‌ها که اسره زنان نان طلب کنند
نابودشان کنید بفرمان تیمسار
مردان و بچه ها زنانرا تلف کنید
دقت کنید و سینه آنان هدف کنید

...

قبل از نظام ما نفر توده بوده ایم
بعد از دو سال باز هم افراد توده ایم
سازادگن کارگرانیم و برزگر
ما عاقلیم و چشم بصیرت گشوده ایم
هرگز گلوله روی ستمگش نمیکشیم
ای بیخبر برادر خود را نمیکشیم
ارتش چماقدار فلان تیمسار نیست
سرباز زر خرید فلان پولدار نیست
اینجا نیامده‌ایم برادر کشی کنیم
کشتار توده ها شرف و افتخار نیست
سرباز سرگرفته بکف بهر توده‌ها
سرباز نیست حافظ دارائی شما
در ظرف بیست سال زور و ستمگری
اندر پناه نابغه کردید خسود سری
بردید مال ملت و خوردید خون خلق
پامال کرده اید شئونات افسری
اکنون که روز تصفیه نزدیك میشود
دزد دلیرین که چه تحریك میشود
این قلعه مال کیست؟ فلان حضرت اجل
آن قریه آن کیست؟ همان حضرت اجل
این پول با نزول صدی سی که میدهد؟
مادرزنش سرور زمان ، حضرت اجل
برچیده باد نسل و نژاد ستمگران
برکنده باد ریشه و بنیاد قلدران
آن افسران پاك و جوان و هبالوار
آن صاحبان تاج درستی و افتخار
آن حافظان واقعی سر زمین ما
در حسرت از برای اطاقی سه درچهار
یك دزد فرق نیست و صد هانفر گدا
این رسم زندگیست شما را به آن خدا
ما جلد میش را از تن گرك میکنیم
بادشمنان دوست نما جنك می کنیم
آری رسد چو نوبه بما روز انتقام
حیف از فشنك ، داروچو بلغار میزنیم
پاینده باد افسرو سرباز توده ها
پاینده باد فردهم آواز توده ها

روشنفکران بیکاره!

بقیه از صفحه ۱

در راه کسب دانش رنج برده اند ولی دزدان و غارتگرانی که مشاغل مهم این مملکت را غصب کرده‌اند بهیچ وجه میل ندارند که چنین رقیبان مطلعی داشته باشند .

زیرا افراد همین طبقه هستند که بمعایب این سیستم غلط اجتماعی پی برده و باتمام قوا برای واژگون کردن آن میکوشند . با این حساب بایستی بیکاره باشند تابرای منتخوران کار ایجاد شود .

اما اینکه آقای عماد تربتی بعنوان خوشمزگی اظهار کرده بودند « نمی دانم چه کمبودی در مغز آنها روشن شده است که اینطور روشنفکر شده اند » بایستی توضیح دهم تا بدانند که این روشنائی آتش مقدسی است که ازعلاقه شدید باصلاح امور اجتماعی و نجات توده ستمکش از این منجلاب فقر و بدبختی ایجاد شده است . این روشنائی علم است که در مغزهای پاك وبی آلایش آنان پرتو افکنده است . و بالاخره این آتشی است که پیوسته شعله اش بالا میگیرد تا روزی هستی بیداد گرانی را که روشنفکران را ازحقوق اجتماعی محروم کرده‌اند بربادده‌د .

مصطفی منصوری
عضو حوزه آزمایشی ۱

سه دزد

کمدی اجتماعی
زیرنظر و باشتراك
نوشین

از روز دوشنبه ۲۱ خرداد ماه بمسرض نمایش گذارده خواهد شد دعوت نامه را ازکافه کلوب دریافت دارید .

با این شواهد واضح میشود که اگر در محیطی عوامل خارجی بحدکافی وجود داشته باشد امابك حزب نیرومند و فداکار بوجود نیاید جریانات های آزادی خواهانه هنوز بمصب پیروزی نرسیده با سد های ارتجاعی مواجه خواهند شد و از حرکت باز خواهد ماند .

در تیپ مستقل سوار

روز ۹ و ۳ و ۲۴ سرتیپ متعددی فرمانده تیپ مستقل سوار سروان رشیدی را بجرم اینکه در باشگاه کردان زره پوش از احزاب و روزنامه‌ها صحبت کرده بزندان میفرستد وپس از ۲۴ ساعت دستور میدهد که او را بزندان هنك سوار که تبعید گاه شماره ۲ نامیده میشود منتقل نمایند ودر آنجا زندانی بدون ملاقات بماند . ضمنا چند نفری را که آن روز در باشگاه کردان بوده‌اند تحت بازجوئی در می‌آورد . این است نمونه‌ای از رفتار یکی از مرتجع ترین افسران ارشدی که میخواهند ارتش را کور وکر و در تاریکی جهالت نگاه‌دارند . ستاد ارتش که دعوی اصلاحات دارد چرا دست این مرد سبك مغز رادر عملیات قانون شکنانه‌اش باز گذاشته است؟

بقلم مطلع

کشور اشراف یا هند ایران!

بازیگران سیاسی در جلگه خوزستان

کشور اشراف اصطلاح نوزادی است که در فرهنك ارتجاع بین المللی جهة خوزستان وضع شده و با اشاعه استقلال و تجزی آن از ایران عزیز عناصر مزدور میخواهند حکومت های تنگین « خزعلی » را باتروج این اصطلاح تجدید کنند ، اینستکه پس از سقوط حکومت رضاخان دستگاه دیکتاتوری مختاری را بخوزستان انتقال دادند ، با کشتن وسوختن و بدار آویختن عناصر صالح وعشایر وایلات که همیشه حامی وطردار استقلال ایران بوده‌اند میخواهند نقشه خودرا عملی سازند . اما این عناصر ناپاك و مزدور و پرورش یافتگان سفره‌های خزعلی باید بدانند خوزستان کشور مستقلی نخواهد شد ، خوزستانی همانست که در دوره باستانی آتش ملی ایران را تشکیل میداد و بافتح روم و اسارت والرین صفحه درخشانی در تاریخ ایران باز کرد و برای همیشه تاج فخر بر فرق سربازان شوشی نهاد ، یعقوب لیث آن سرباز فداکار ایرانی طاسم اسارت ایرانی راپس از دویست سال سلطه عرب درشهر تاریخی جندشاپور بشکست و پاسخی مردانه « خلیفه عباسی دادو بالاخره در فرهنك افتخارات ایران عالیترین نمونه رشادت ووطن پرستی سربازان شوشی هستند،

با این اصول محکم تاریخی روشنفکران خوزستان جداً بااین فکر استعمار طلبی و ارتجاعی مبارزه میکنند و نخواهند گذاشت مزدوران خائن باین شهرستان دست بیابند . امروز که با سیل پول میخواهند خوزستانی را اسیر دام خود سازند وبا حیله وتزویر چهارصد هزار نفر ایرانی را که در دستگاه مختاریهای خوزستان لب و دهانشان دوخته است آلوده نمایند ، امروز که با مسافرتهای برقی مهندس الهی « نماینده سید » باهواپیما باهواز و بهبهان و هوام قریبی دکتر علوی « نماینده دیگر سید » در شهرستان ذرفول میخواهند خوزستانی را گرفتار حلقات ارتجاعی و استعمار طلبی نمایند امروز که باتقویت خانزادگان خوش سابقه !! وبقایای حکومت خزعلی می خواهند سند بردگی وبندگی زحمتکشان و رنجبرات معصوم خوزستانی را امضا کنند ، بالاخره امروز که با اشاعه دخالتهای سیاستهای خارجی زمینه حکومت گماشتگان را مهیا می سازند ، باید بدانند خوزستان امروز خوزستان دوره خزعل نیست وخوزستان دوره هژمنشی وساسانی است .

باید بدانند با ایجاد اختلاف بین عناصر صالح نمیتوانند خوزستان را هند ایران سازند!! . باید این بازیگران سیاسی ارتجاعی « الهی وعلوی » بدانند دیگر نقش ارتجاعی در ایران نخواهد گرفت زیرا ایرانی بیدار است ودیگر گول امثال آنهارا نخواهد خورد اکنون که مزدوران ارتجاعی بجنوب ایران حمله ور گشته اند باید بدانند ایران شمال وجنوب ندارد ایرانی بیدار است ودیگر بفریب خرگوش نخواهد رفت

خوزستانی به گناهکاران ثابت خواهد کرد که بقایای حکومت خزعلی دیگر نخواهند توانست خوزستانی را به دام بی عفتی وبی همتی کشانند

خوزستانی از تاریخ تنکین و پر جنایت خان زادگان آگاه است ودیگر حاضر نخواهد شد امثال . . . خان شبها بکلبه های زنهای عفیف وارد شوند وکودکان شیرخوار را با خنجر شهید سازند ونیز نمونه نامردیها وبیشرفی ها را درقتل و غارت عشایر شجاع و وطن پرست وقتل مرموز شیخ بندر و منشاء کسب خودسری واقتدار آنها را از یاد نخواهد برد ، خوزستانی حاضر نخواهد بود بازیگران سیاسی درآنجا دست بیابند وباردیگر لب ودهان آنها رابدوزند وبار گران بندگی بدوشان گذارند . خوزستانی امروز آشکارمی گوید منهم حقی دارم واز آزادی نصیب و بهرهٔ .

ما اطمینان داریم توده چهارصد هزار نفری خوزستان که امروز تحت سلطه یك اقلیت ارتجاعی است بزودی قیام خواهد کرد وقفس ظلم وبیدادگری را خواهد شکست زیرا یقین داریم که الملك یبقی مع الکفر ولایبقی مع الظلم

التفاصیل

حاوی یکصد قطعه شیرین خواندنی
بقلم فریدون توللی
بزودی در ۳۰۰ صفحه منتشر میشود ۱ — ۳

چاپخانه توده ایران